

# فریاد خون

زنگ حریق است با صبح کلکون  
ای زنده وارن  
از خواب برخیزید، دریا بید اکنون  
خونست پیرامونتان ، خون !

\*\*\*

در بستر گسترده تان خون  
در پیرهن، در پرده تان خون  
در جام تان، در کام تان  
در سفره تان در لقمه تان  
در دفتر و در نامه تان خون !

\*\*\*

در خانه و ایوان و بر درگاهتان  
در رها تان خون  
بر بام تان  
در نام تان  
در ریشه تان  
در تارپود درم اندیشه تان خون.

\*\*\*

خون کسان، خون رفیقان  
خون به خاک افتادگان، خون شهیدان !

\*\*\*

می توفد و می جوشد این دریای بی تاب  
وین خون به فریاد  
بیدار می خواهد شمایان را از این خواب !

سیاوش کسرایی  
مهرماه ۱۳۶۲

# بحران ارزی و ورشکستگی مالی رژیم ولایت فقیه

بحران یا "تنگناها"ی ارزی و مالی که سالهاست گلوی اقتصاد کشور را می فشارد، بیش از پیش تشدید می شود و اقتصاد کشور را به سوی فلج عمری پیش می برد. همه وزارتخانه ها، نهاد و بنیادهای گوناگون رژیم از کمبود بودجه و ارز می نالند. هر سال بخش چشمگیری از برنامه ها و طرحهای اقتصادی و اجتماعی برنامه ریزان رژیم روی کاغذ می ماند و به اجرا در نمی آیند. دیگر، پیامدهای ورشکستگی مالی و بحران اقتصادی کشور به روشنی چهره نمائی می کند. تورم و گرانی با شتاب روزافزونی بالا می رود. بازده تولید واحدهای تولیدی و به طور کلی صنایع کشور بشدت بقیه در ص ۷

بیاموزیم، تبلیغ کنیم، و سازمان دهیم

استفاده از تراکت در مبارزه انقلابی (۲)

در ص ۴

# کنگوه سوم حزب کمونیست کوبا

سه شنبه یازدهم بهمن (چهارم فوریه) کنکره سوم حزب کمونیست کوبا در هاوانا گشایش یافت. نمایندگان بیش از پانصد هزار کمونیست کوبایی در کنکره حضور دارند. دویت هیئت نمایندگی نیز از احزاب برادر کمونیستی و کارگری و از جمله هیئت نمایندگی حزب توده ایران و همچنین جنبش های رهایی بخش ملی میهمان کنکره هستند.

رائول کاسترو دبیر دوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا کنکره را گشود و سپس فیدل کاسترو گزارش کمیته مرکزی را در برابر نمایندگان کنکره قرائت کرد.

رهبر انقلاب کوبا بیان موفقیت آمیزی از توسعه کشور در فاصله میان دو کنکره را به نشست فرستادگان کمونیست کوبا ارائه داد. دوران برنامه پنج ساله گذشته پرثمرترین و خلاق ترین سال های کار بقیه در ص ۲



شماره ۸۹ دوره هشتم سال  
دوم پنجشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۶۴  
بها ۲۰ ریال

# ادامه جنگ، یعنی تحکیم مواضع امپریالیسم و نواستعمار

این روزها رژیم برای اثبات "مشروعیت" خود باردیگر به سازمان دادن تظاهرات متوسل شده است. این بار بهانه - هفتمین سالگرد انقلاب است. برخلاف سال های نخست پس از پیروزی انقلاب، شرکت کنندگان این تظاهرات نه توده های میلیونی مردم، بلکه به گفته مفسر صدای ج.ا. "رزمندگان اسلامی" هستند که "قدرت رزمی خود را" در خیابان های تهران و دیگر شهرها به نمایش می گذارند. شعارهای مطروحه در این تظاهرات نیز با آماج های مردمی انقلاب در تضاد آشکار است. "جنگ - جنگ تا پیروزی"، "جنگ برای اسلام" و... عمده شعارهای این تظاهرات فرمایشی است که در شرایط مشخص کنونی جامعه ما، نشانگر خصلت ضد خلقی سران ج.ا. است.

جنگ ایران و عراق که وارد ششمین سال خود شده و یکی از طولانی ترین جنگ ها در تاریخ معاصر جهان بشمار می رود، فقط در ظاهر محلی و جدا از تضادهای جهانی است. این جنگ که از لحاظ مصالح ملی هر دو کشور بی حاصل است، پاسخگوی منافع نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی منطقه و جهان است که عملاً در ادامه آن به قصد تحکیم مواضع امپریالیسم و نواستعمار در این منطقه مهم جهانی ذینفع هستند.

جنگ ایران و عراق به امپریالیسم آمریکا امکان داد تا مسابقه تسلیحاتی را در منطقه تشدید کند. هزینه نظامی کشورهای خاورمیانه و نزدیک در سال ۱۹۸۴ به ۴۶ میلیارد دلار بالغ گردید. بخش عمده این هزینه سنگین از طریق خرید سلاح های مدرن به گاو صندوق های مجتمع نظامی - صنعتی آمریکا انتقال یافته است. بقیه در ص ۶

مبتکر آغاز جنگ ایران و عراق امپریالیسم آمریکا و به طور مشخص برژینسکی مشاور امنیتی کارتر بود - و این به هیچ وجه تصادفی نبود. هم او بود که اطلاعات ناصحیح درباره ارتش را توسط جاسوسان "سیا" در منطقه پخش کرد. امروز، سخنگویان دولت ریگان یادآوری این واقعیت را صلاح نمی بینند. ولی آنها پنهان نمی دارند که ادامه جنگ به منظور تضعیف هرچه بیشتر طرفین مخاصمه به نفع امپریالیسم آمریکا است.

# "والفجر" و خطر توسعه جنگ

رژیم جمهوری اسلامی که با بحران عمیقی روبرو است، برای استتار ناتوانی خویش در حل معضلات عظیم اقتصادی - اجتماعی جامعه، پس از مدت ها تدارک، چنان که انتظار می رفت حمله به اصطلاح "والفجر" را آغاز کرد و بدین سان شعله های جنگ دوباره برافروخته شد و باردیگر هزاران جوان ایرانی را قربانی کرده و خواهد کرد.

۲۲ بهمن ماه، خامنه ای طی سخنرانی به مناسبت سالگرد انقلاب، پس از اعلام شروع حمله جدید، دولت کویت را تهدید کرد که در صورت کمک به عراق، رژیم ج.ا. اقدام مقتضی را به عمل خواهد آورد. متعاقب این تهدید، کشورهای عربی خلیج فارس جلسه فوق العاده ای را برای مقابله با تهدید رژیم ج.ا. و نیز کمک به عراق تشکیل دادند. بقیه در ص ۲

چندی پیش مطبوعات جهان از قول سفیر سابق آمریکا در یکی از کشورهای خلیج فارس نوشتند که خنثی کردن "صدور انقلاب اسلامی" از سوی و "تهدید امکانات سیاسی عراق" از سوی دیگر

# پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!



داشت ولی اکنون ۲۸۰ هزار جوان در دانشگاه ها و دیگر مدارس عالی اش به تحصیل سرگرمند. بنگاه های انتشاراتی کوبا هر سال کتاب هایی با تیراژ کلی ۴۰ میلیون نسخه منتشر می کنند. طی مدت پنج سال گذشته ۴۵ فیلم سینمایی در کوبا ساخته شده است. امکانات ورزشی در اختیار تمامی زنان و مردان کوبا است و موفقیت های ورزشی کوبا نیز پیوسته چشمگیرتر می شود. رفیق کاسترو سپس در گزارش خود به وظایف مربوط به برنامه پنج ساله آینده پرداخت که در آن رشد سالیانه ای به میزان ۵ درصد پیش بینی شده است. تشدید تولید و بالابردن کارآیی آن جزء وظایف درجه اول قرار داده شده است. با زدهی کار باید سالیانه به میزان ۲۵ درصد رشد کند. سیاست صرفه جویی در مصرف منابع همچنان ادامه خواهد داد.

دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا سپس به نقش علم و تکنیک اشاره کرد و اهمیت شرکت کشور در شورای همیاری اقتصادی و برنامه کمپلکس پیشرفت علمی - فنی آن را یادآور شد. کوبا سهم خود را در تعمیق انترکراسیون اقتصادی سوسیالیستی در چارچوب شورای همیاری اقتصادی ادا خواهد کرد.

در بخش خارجی گزارش خود رفیق کاسترو به تشدید وخامت اوضاع بین المللی به ویژه در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان و سیاست دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی پرداخت و به دنبال آن مسایل مربوط به جنوب آفریقا، خاور نزدیک و تحریرات امپریالیسم را در دیگر نقاط جهان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. رفیق کاسترو از جمله گفت که استقلال نامیبیا و قطع تجاوز علیه آنکولا می تواند شرایط بازگشت تدریجی نیروهای کوبایی را از آنکولا امکان پذیر سازد. این موضع مشترک کوبا و آنکولا است. هرگونه

## والفجره و .....

بدین ترتیب سیاست رژیم در زمینه ادامه جنگ با وجود خواست مردم ایران و نیز سازمان کشورهای غیرمتعهد، کشورهای سوسیالیستی، سازمان های مترقی بین المللی و همه نیروهای صلح دوست جهانی دایره بر پایان دادن به آن، در جهت گسترش حریق است که می تواند سراسر منطقه را فراگیرد. ادامه جنگ خواست امپریالیسم آمریکا است که هم اکنون ناوگان نظامی خود را در منطقه در حال آماده باش نگه داشته است.

باید خاطر نشان ساخت، حمله ایران هنگامی شروع شده که امپریالیسم آمریکا با تمرکز ناوگان جنگی در سواحل لیبی و نیز افزایش کمک نظامی " به ضد انقلابیون نیکاراگوئه، استقلال این دو کشور را تهدید می کند. در واقع رژیم خ.ا. با شعله و ساحتن مجدد آتش جنگ در منطقه، افکار عمومی جهان را از توطئه های امپریالیسم علیه این دو کشور منحرف ساخته است. آیا این عمل رژیم کمک آشکار به امپریالیسم آمریکا نیست؟

این سیاست رژیم با منافع مردم میهن ما و

## کنگره سوم حزب کمونیست

سازنده خلق کوبا را در ساختمان سوسیالیسم و به پیش بردن انقلاب در برمی گیرد.

در دوران این برنامه پنج ساله مجموع محصول اجتماعی سالانه بطور متوسط ۷۲٫۲ درصد افزایش داشته است. رشد بازدهی کار سالانه ۵٫۸ درصد بوده است. در تولیدات صنعتی رشدی برابر ۸٫۸ درصد در سال به دست آمده است. سرمایه گذاری در عرصه های دولتی، در مقایسه با برنامه پنج ساله پیشین ۲۴٫۲ درصد افزایش نشان می دهد. کوشش های ویژه ای در جهت بالابردن صادرات کالاهای غیر سنتی و پایین آوردن واردات از راه جانشین کردن آنها با تولیدات داخلی انجام شده است.

رفیق کاسترو تاکید کرد که در تعداد زیادی از رشته های صنعتی، در سایه بکارگرفتن تکنیک مدرن و تلاش های گروه های کارمیزان محصولات بیشتر شده است. بسیاری موسسات تازه مورد بهره برداری قرار گرفته و بسیاری دیگر نیز در دست ساختمان است. استخراج نفت دو برابر شده است. فولادسازی و تولید کود همچنان در حال رشد است. تولید شکر در پنج سال گذشته ۱۲٫۲ درصد افزایش نشان می دهد. میزان مکانیزاسیون به هنگام برداشت محصول نیشکر پیوسته بالا رفته و اینک به ۶۲ درصد بالغ گردیده است.

گزارش فیدل کاسترو دال بر آن است که تولید انرژی اکنون ۷ بار بیش از دوران قبل از پیروزی انقلاب است. از سال ۱۹۸۱ تا اکنون ۲۳۵۰۰۰ مسکن ساخته شده است. صنایع سبک از رشد بسیار زیادی برخوردار گردیده است. یکی از فرآورده های صنایع مصرفی در این سالها تلویزیون رنگی است. مصرف اجتماعی در این مدت ۷٫۱ درصد و مصرف محصولات صنعتی ۲٫۸ درصد افزایش نشان می دهد. در گزارش همچنین گفته می شود که اقتصاد کشاورزی نیز در این مدت رشد قابل ملاحظه ای داشته است. اینک تعداد تراکتورهای مشغول به کار در کشتزارهای کوبا در مقایسه با دوره پنج ساله قبلی ده درصد بیشتر شده است.

رفیق کاسترو یاد آور شد که این دستاوردها علی رغم شرایط بسیار دشوار حاصل گردیده است. سیاست محاصره اقتصادی امپریالیسم علیه کوبا همچنان ادامه یافته و خشکسالی طولانی و توفان های متعدد استوایی زیان های جدی به توسعه اقتصادی کشور وارد آورده اند. در گزارش به چند مسئله دشوار اشاره می شود که در مقابل توسعه سریع کشور مانع ایجاد می کنند. رفیق کاسترو گفت اینک آن زمان فرارسیده است که بگونه ای هدفمند آنها را برطرف کرد.

در گزارش رفیق کاسترو به دستاوردهای قابل ملاحظه در امر درمان و بهداشت اشاره شده است. شش بیمارستان تازه ساخته شده و تعداد زیادی از پلی کلینیک ها مدرنیزه گردیده اند. تعداد دکترها و دیگر کارکنان بهداشتی پیوسته در حال افزایش بوده است.

شاهد صادق بر پیشرفت های بزرگ در امر آموزش این واقعیت است که کوبای پیش از انقلاب با ۵۶ میلیون جمعیت یک میلیون بی سواد

وابسته کردن استقلال نامیبیا به بازگشت انترناسیونالیست های کوبایی از آنکولا توسط جامعه بین المللی شدت رد شده است.

رفیق کاسترو در گزارش خود بار دیگر یاد آور شد که کوبا مانند گذشته آماده است اختلافات موجود با ایالات متحده آمریکا را مورد بحث قرار دهد و راه هایی برای صلح و مناسبات بهتر میان دو کشور جستجو کند. اما این فقط در صورت احترام جدی به استقلال کوبا امکان پذیر است.

روز جمعه کنگره سوم حزب کمونیست کوبا با تجدید انتخاب کمیته مرکزی و مقامات رهبری حزب به کار خود پایان داد. رفیق فیدل کاسترو از نو به عنوان دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا برگزیده شد.

مصالح عالی کشور در تضاد آشکار است و فقط می تواند در خدمت تحقق استراتژی امپریالیسم تجاوزکار آمریکا در منطقه خلیج فارس و سایر نقاط جهان قرار گیرد که ما در همین شماره " نامه مردم " جوانب عدیده و بی

آمدهای مخرب آن را مشروحا بررسی کرده ایم. آغاز حمله جدید رژیم، با تشدید جنگ و احتمال تجدید حملات هوایی به شهرها و مردم بی دفاع در ایران و عراق همراه خواهد بود. عواقب چنین حملاتی که مردم میهن ما و نیز مردم عراق بارها شاهد آن بوده اند، خیر تلفات سنگین انسانی و خرابی و بی خانمانی نخواهد بود.

ما از همه مردم ایران و از همه آنانی که به سرنوشت خلق و میهن خود علاقه دارند، طلب می کنیم با استفاده از کلیه امکانات علیه سیاست رژیم که با سردادن شعار " جنگ، جنگ تا پیروزی " صدها هزار از هم میهنان ما را قربانی امیال خود کرده و کشور ما را به عرصه غارت مشتکی تجار غارتگر و حامیان آنان در حاکمیت تبدیل کرده، مبارزه کنند. تنها با مبارزه بی گیر است که می توان از کشتار جوانان ایرانی در کشتارگاه هایی که جبهه جنگ نامیده می شوند جلوگیری کرد.

## ارتش، فساد، محرومیت و تبعیض

خامنه‌ای با اشاره به مسائلی چون "ارتش، کم‌کاری، فساد، محرومیت و تبعیض" اظهار نظر کرد که "با این نوشتن کابینه، مردم انتظارات جدیدی از ما دارند که باید خواسته‌های آنان پی‌گیری شود".

آیا باید به چنین وعده‌های پوچی دل خوش ساخت؟ بدیهی است که نه. مردم به درستی دریافته‌اند که نظائر این وعده‌های سرخرمن هزاران بار بر زبان سران ج.ا. جاری و به فراموشی سپرده شده است. چنین سخنانی حکم باد هوا را دارد و برای فریب افکار عمومی گفته می‌شود. در واقع "نوشتن کابینه" دستاویز جدیدی است که برای مهار کردن خشم و ناراضی‌توی توده‌های عظیم مردم بکار می‌رود. انعکاس این خشم آنچنان است که یکی از نویسندگان روزنامه "اطلاعات" در مقاله "قانون و مجری قانون" می‌نویسد: "چرا پای صحبت هرکس که می‌نشینید دادش از نظام اداری و دیوان سالاری حاکم به آسمان رفته است؟ چرا هنوز هم متاسفانه اخبار مربوط به کلاه برداری، سوءاستفاده و ارتشای بعضی از مسئولان در رده‌های مختلف دولت را در روزنامه‌ها می‌خوانیم و یا از گوشه و کنار می‌شنویم؟" توده‌های مردم خشم روزافزون خود را از نظام اداری کنونی به شیوه‌های گوناگون نشان می‌دهند. اکنون همه می‌دانند که فساد همه تاروپود رژیم ج.ا. را فراگرفته، بندوبست‌ها، باندبازیه‌ها، رشوه‌خواری‌ها، جعل اسناد، حیف و میل اموال عمومی و زدوبند مسئولین بلندپایه با غارتگران اجتماعی و همچنین انحصارهای امپریالیستی، دامنه بسیار وسیعی دارد و کنترل آن در چارچوب رژیم "ولایت فقیه" غیرممکن است. این پدیده دامنگیر، تنها مربوط به این شخص یا آن شخص، این سازمان یا آن سازمان نمی‌شود، بلکه به مثابه یک جریان عمیق و ریشه‌دار کل نظام را دربر گرفته است. وقتی که فقط در گمرک کشور بیش از چهارصد نفر تصفیه می‌شوند و باندهای مختلفی در ادارات دولتی و شهرداری‌ها به جرم دزدی، اختلاس، رشوه خواری و جعل اسناد تحت تعقیب قرار می‌گیرند، باید از این مجمل "حدیث مفصل" را خواند.

پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ یکی از مهمترین هدفهای مردم و ایران ساختن پایه‌های نظام اداری در خدمت غارتگران اجتماعی و بنای نظام جدیدی متناسب با خواسته‌های حق طلبانه توده‌ها بود. اما علیرغم آن که در ابتدای انقلاب در وزارتخانه‌ها، ادارات و سازمانهای دولتی جنب

و جوش پدید آمد و گام‌هایی نیز برای تصفیه و ابستان رژیم پیشین و تغییر و تحول در سیستم موجود برداشته شد، نظام اداری سابق نه تنها دگرگون نشد، بلکه به شیوه سابق باقی ماند و سران ج.ا. پس از تهاجم به نیروهای مترقی و زندانی کردن ده‌هزار نفر از آنها به بازسازی آن پرداختند. سیاست عمومی رژیم - علیرغم مقابله‌هایی که وجود داشت و هنوز هم وجود دارد - عملاً در جهت سازش با وابستگان رژیم پیشین و تقسیم غنائم با آنان متحول شد. سخنان اخیر رفسنجانی در مورد آزادی "ساواکی‌ها" و بخشش "گناهان کوچک" فراریان "طاغوتی" و دعوت آنان به بازگشت را در چنین چارچوبی باید ارزیابی کرد. در واقع رفسنجانی پرده از راز افشانشده‌ای برنسی دارد. پیش از وی چهره‌های مختلف رژیم به اشکال گوناگون پرده از این واقعیت برداشته‌اند. بطور نمونه می‌توان به روزنامه "جمهوری اسلامی" ۲۳ آبان ۶۴ مراجعه کرد. این روزنامه یعنی ارکان حزب حاکم بر کشور به جریان بازگشت "طاغوت‌چپه‌های اقتصادی و سیاسی" به کشور و "تسلط یافتن آنان بر شئون مختلف ج.ا." و "حاکم شدن آنان در برخی ادارات اعتراف می‌کند و اعلام می‌دارد که "بعضی موارد به عناصر پاکسازی شده ارتقاء مقام داده می‌شود". روزنامه ج.ا. ضرب المثل در دیزی باز است اما حیای گریه کجا رفت را تداعی می‌کند و می‌نویسد: "باب توبه همیشه در اسلام مفتوح است، اما نباید این باب مورد تمسخر و سوءاستفاده قرار گیرد".

روزنامه یادشده به عنوان مشت نمونه خروار به افشاء سوابق فرشیدنیا رئیس کل فعلی گمرک ایران و همدستان "فساد و معلوم الحال" وی می‌پردازد که تکرار خلاصه‌ای از سوابق این شخص بی‌مناسبت نیست: فرشیدنیا با حفظ پست سازمانی معاونی اداره گمرک آبادان به سمت مسئول حفاظت و تجسس این اداره (وابسته به ساواک) منصوب می‌گردد. در سالهای اوج گیری انقلاب با فرمانداری نظامی خرمشهر همکاری مستقیم داشته و نقش موثری در مبارزه با کارکنان اعتصابی گمرک و معرفی افراد به ساواک ایفا کرده است. در سال ۵۸ پاکسازی می‌شود و هیئت تجدید نظر در سال ۶۰ با یک گروه تفزل شغل حکم بازگشت وی را صادر می‌کند و "وی پس از مدتی ارتقاء پیدا نموده و سرانجام به سمت مدیرکل نظارت گمرک ایران منصوب می‌شود". این پدیده تصادفی نیست و بیانگر پیوند دیرین

روحانیون مرتجع حاکم با "طاغوتی‌ها" است. بی‌دلیل نیست که خلخالی در سخنرانی پیش از دستور مجلس می‌گوید: "آقایان می‌خواهند مثلاً در آینده اگر انقلاب شکست خورد دوباره از این طاغوتی‌ها وجوهات بگیرند و زندگیشان را اداره کنند". اما این فقط یک روی سکه است و اغلب اجراکنندگان قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی یعنی عوامل مورد اعتماد ج.ا. خود از همین "طاغوت‌چپه‌های سیاسی و اقتصادی" هستند و در جهت حفظ موقعیت هم‌تاهای شاهنشاهی خود عمل می‌کنند. نقل بخشی از مقاله "قانون و مجری قانون" بیانگر این واقعیت است:

"یکی از مسئولین هیاتهای عالی نظارت بر هیات بدوی بازسازی نیروی انسانی یکی از موسسات تحت پوشش خود که جزئی از موسسات ملی شده بعد از پیروزی انقلاب است، طی نامه‌ای چنین دستور می‌دهد و قانون را تفسیر می‌کند که: چون موسسه ... از تاریخ ... جزئی از سازمانهای دولتی قرار گرفته است، لذا هیات مجاز نیست که به جراثم قبل از تاریخ مذکور رسیدگی کند ... موسسه مورد بحث یک موسسه مالی است و زیانهای ناشی از اختلاسها، تخلف‌ها و حیف و میل های مدیران سابق آن، اینک به حساب بیت‌المال تحمیل گردیده است و جالب تر آن که برخی از این افراد نیز هنوز در مسئولیت های حساس باقی هستند. شاید در وهله اول برخی چنان تفسیری را عمل سهوی تلقی کنند، اما حمایت همان فرد مسئول از افراد خاطی و مجرم، شبه عمدی (۱) بودن چنان تفاسیری را تقویت می‌کند".

در همین مقاله آمده است: "در یکی از موسسات مالی که در حقیقت یکی از مصادیق وجودی ثروتهای نامشروع را در خود دارد و یکی از محللهائی است که مشمول اصل ۴۹ قانون اساسی می‌شود، مدیر موسسه قانون اجرای این اصل را درست به مدت ۶ ماه در کشوی میز خود مخفی نگه میدارد و از ابلاغ آن خودداری می‌کند و این درحالی است که تنها یک ماه و نیم از مهلت اعتبار قانون آن باقی مانده بود... و بعد هم سروصدای قضیه در می‌آید و معلوم می‌شود که این بلادامنگیر موسسات دیگری نیز بوده است".

این واقعیتها که از زبان برخی از دست اندرکاران ج.ا. نقل می‌شود روشن تر از آن است که نیاز به بحث و تفسیر اضافی داشته باشد. همچنین فساد نظام اداری حاکم بر کشور ابعاد گوناگونی دارد که پرداختن به همه آنها مثنوی هفتادمن کاغذ می‌شود. باید توده‌های وسیع مردم را هرچه بیشتر با ماهیت نظام حاکم آشنا ساخت و آنها را برای رویارویی با رژیم "ولایت فقیه" سازماندهی کرد.

**وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل  
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!**

بیاموزیم، تبلیغ کنیم و سازمان دهیم

## استفاده از تراکت در مبارزه انقلابی (۲)

### ترکیب و ساختار تراکت

ترکیب و ساختار تراکت، شامل اجزاء زیر است: عنوان، خطاب، متن، و جمع بست تراکت همراه با شعار برای دعوت و بطور کلی نتیجه گیری. بجز اینها در هر تراکت یادداشت هایی از قبیل: "پشت ورق را نگاه کنید"، "برای رفیق بیسواد بخوان!"، "در جای مناسب بچسبان و از این قبیل ممکن است وجود داشته باشد. اینک شرح هر کدام:

۱- عنوان یا سرلوحه تراکت، از اجزاء مهم تراکت است. سرلوحه باید فکر عمده تراکت را بیان کند و یا توجه خوانندگان را جلب کرده ذوق خواندن را در آنها بوجود آورد. زمانی می توان گفت که سرلوحه مناسب است که تراکت از زمین برداشته و خوانده شود. برای تهیه تراکت از چند سرلوحه استفاده می گردد:

الف: سرلوحه بصورت جمله اخباری کامل؛ این نوع عنوان فکر اصلی تراکت را بیان می کند: "کارگران پیش نویس جدید قانون کار رژیم را نمی پذیرند"؛ "دانشجویان انقلابی به مبارزه خود علیه رژیم ادامه خواهند داد"؛ "رژیم به جنگ امپریالیسم برافروخته ادامه می دهد"، "رژیم ولایت فقیه" در راه نوسازی و تحکیم شالوده های سرمایه داری وابسته گام برمی دارد". عقیده اصلی تراکت که در سرلوحه عنوان می گردد باید در متن تکرار و اثبات شود.

ب: سرلوحه بصورت جمله اخباری غیر کامل؛ این نوع تنها یک جزء از عقیده اصلی را بیان می دارد و خواننده را به دنبال کردن بقیه عقیده تحریک و تشویق می کند، برای اینکه نشان داده شود که جمله کامل نیست باید در آخر آن چند نقطه گذاشت؛ تیهکاری تازه دژخیمان ۴۰۰۰ رژیم درآمد نفت را ۴۰۰۰ پایگاه امپریالیسم ۴۰۰۰ غیره.

ج: سرلوحه بصورت جمله استفهامی؛ این نوع سرلوحه هم بسیار متداول است و خواننده را به پیدا کردن جواب در تراکت راغب می کند؛ به نفع کیست؟، مهاجرت سیاسی یعنی چه؟، بازم هیروشیما می جدید؟ بکار بردن جملات استفهامی غیر کامل هم رایج است.

د: سرلوحه بصورت جمله امری؛ که خواننده را به عمل معینی دعوت می کند؛ "متحد شوید"، "آزادی بزرگ مالکان را ضیط کنید!"، "به برادران زندانی سیاسی خود کمک کنید!". باید این نکته را خاطر نشان ساخت که دعوتی که انجام می گیرد باید قابل اجرا باشد یا بهتر گفته شود تا اندازه ای قابل اجرا باشد از طرف دیگر اگر تراکت خواننده را به عمل دعوت می کند، باید حتما یک برنامه مثبت بصورت "آلترناتیو" به خواننده پیشنهاد بکند تا او بتواند روش صحیح را انتخاب کند.

ه: سرلوحه بصورت ضرب المثلی؛ ضرب المثلی باید اندیشه اصلی تراکت را منعکس کند. مثلا

هنگامی که می خواهیم ساخت و پاخت بین جناح های مختلف حزب ج.ا. را روشن کنیم می توانیم بنویسیم: سگ زرد برادر شغال است. بجز ضرب المثلی می توان از الفاظ و اصطلاحات ادبی و هم چنین از اظهارات سران رژیم و امثله و حکم عامیانه و نظایر آن که معروفیت پیدا کرده استفاده نمود. نقل قول کوتاه از دشمنان سیاسی هم مفید است. در این صورت متن تراکت باید عدم تطابق بین نقل قول و واقعیت را نشان دهد. مثلا گفته معروف خمینی: "این حداقل حقوق هر فرد است که باید مسکن داشته باشد..." را با واقعیت موجود بی خانمانی مقایسه کرد. یا برای افشای سیاست رژیم در زمینه واگذاری امتیازهای رنگارنگ به بخش خصوصی و هموار کردن راه قدرت گیری کلان سرمایه داران می توان از سخنان خمینی همانند "کار مردم را به مردم بسپارید" یا "مردم را هم در کارها شرکت دهید"، بهره ور گردید. و یا برای افشای پیامد های شوم و ویرانگر جنگ امپریالیسم برافروخته ایران و عراق بنویسید: "برکات جنگ".

۲- خطاب، معمولا تراکت اختصاص به گروه معینی از مردم دارد. این گروه می تواند بزرگ یا کوچک باشد مثلا کلمات "موظنان" یا "سربازان" گروه بزرگی را در برمی گیرد و همچنین عناوین: "مفکران ایران با سخن و تصویر و ترانه دیواستبداد را بکوید" یا "مردم ایران برای دفاع از زندانیان سیاسی مبارزه کنید" و غیره. ولی عناوین "کارگران کارخانه تراکتورسازی شهر تبریز به اعتصاب خود ادامه دهید" گروه کوچکی را در برمی گیرد. در هر دو حالت "خطاب" باید حتی الامکان کوتاه باشد و خواننده را متوجه کند که به چه گروهی تعلق دارد و حس همبستگی را در او بوجود آورد.

۳- متن اصلی تراکت، که شامل اجزاء زیر است: الف) مقدمه، که باید خواننده را به هدف اصلی تراکت جلب و شوق خواندن را در او بوجود آورد و روحیه معینی را در او ایجاد کند. ب) سیستم دلایل یا مدارک، که باید خواننده را برای درک و قبول شعار تراکت آماده سازد. درباره اقامه دلیل که از اجزاء مهم تراکت نویسی است بعدا به تفصیل صحبت می شود. جمع بست آخر تراکت، که مضمون اصلی تراکت را که در مقدمه و سرلوحه ذکر شده بود دوباره تکرار می کند. شعار نیز که به طور منطقی از اقامه دلیل ناشی می شود، وارد جمع بست آخر تراکت می گردد و خواننده را به عمل معین دعوت می کند.

زبان تراکت - تراکت باید پرمعنا و رساننده مقصود باشد، یعنی از زبان صحیح استفاده کند که مستلزم دقت بسیاری است. لطیف توجه خاصی به انتخاب زبان در کار ترویج و تبلیغ میزول می داشت و می گفت: "زبان باید پرمعنا، واضح و در عین حال مختصر و بلیغ باشد. میثاقان باید از

زبان ساده استفاده کنند و در کار خود باصطلاح "تویخانه سنگین" اصطلاحات سخت و لغاتی را که از زبان های خارجی اقتباس شده است دور اندازند". تراکت یک اثر ادبی کوچک است و از همین لحاظ مستلزم دقت بیشتری است، برای آنکه کار ما واجد شرایط و دارای سطح عالی باشد باید چهار شرط اصلی زیر را در نظر داشت: مراعات مقررات زبان عمومی، اختصار، صراحت و روشنی عبارات، فصاحت و استفاده از استعاره های قابل فهم.

در زیر هریک از این ویژگی ها را می شکافیم:

۱- مراعات مقررات زبان عمومی - این امر حتی است زیرا بکاربردن لغات غیر رایج و لهجه های مختلف طبیعتا سطح فهم و سبک را افت می دهد و از تاثیر تراکت می کاهد زیرا طرح مسائل جدی مستلزم استفاده از زبان صحیح ادبی است. مراعات مقررات پیچیده عبارات ادبی اصولا حواس خواننده را پرت می کند و توجه اش را از "مفهوم" به "فرم" منحرف می سازد. متن هایی که دارای اشتباه های زبانی فراوان باشند باعث اعتراض خواننده می شوند. در عین حال از این موضوع دشمنان بشکل سخره و استهزا سوء استفاده می کنند.

۲- اختصار شرح - در تراکت اختصار لازم است، نه تنها به خاطر کم بودن جای تراکت بلکه بجلت موثرتر کردن آن. به قول حکمای قدیم، کوتاه گویی از خردمندی است. هر قدر شرح تراکت کوتاه تر و مختصرتر باشد، حفظ کردن و بخاطر سپردن آن آسان تر است. برای این کار باید از جملات مرکب یا جملات اضافی پرهیز کرد. ساختمان جملات دور و دراز درک مطلب را دشوار می سازد. تنها جملات کوتاه و ساده به راحتی بخاطر سپرده می شود و هر کلمه ای که در تراکت بکار می رود باید پرمعنا و دارای مفهوم تبلیغاتی باشد. اگر تراکت درست نوشته شود، هیچ کلمه ای را نمی توان از آن حذف کرد. تراکت باید مثل "شعر" باشد که از آن نمی توان واژه ای را حذف کرد.

۳- بلاغت عبارت ها - منظور این است که چنان جملاتی باید ساخت که هیچ گونه ابهامی در مفهوم آن نباشد و خواننده نتواند معنا را به چیز دیگری ربط دهد و اگر امکان تحریف و تعبیر متن باقی بماند، دشمنان سیاسی از آن استفاده می کنند.

۴- فصاحت شرح و بکار گرفتن استعاره - این شیوه خواننده را تحت تاثیر و نفوذ خود قرار می دهد و احساسات او را متاثر می کند. فصاحت شرح توأم با صراحت و اختصار و سادگی عبارت های زبان، بهترین عوامل هستند که در زبان توده ای سیاسی بکار برده می شود تا به آن قدرت بخشد. پند مشهور گورکی به تمام ناشران این است که "باید دشمنان را با زبان استعارات و ضرب المثلی توده ای کوید". غیر از چهار اصل نامبرده عواملی هم وجود دارند که باید هنگام نوشتن تراکت به آنها توجه کرد. مثلا تراکت باید پیوسته زبان خوانندگان را در نظر داشته

باشد زیرا بدون برقراری تماس با خواننده و بدون دستیابی به توافق نظر با او نمی‌تواند اوراق قانع ساخت. این بود قواعد اصلی که باید در نوشتن تراکت مراعات گردند.

## استدلال در تراکت

مانطور که قبلاً ذکر کردید شبهه اقامه دلیل و استدلال از جمله عوامل مهمی است که با کمک آن می‌توان خواننده را قانع ساخت و صحت فکر اصلی تراکت را ثابت نمود و او را به اعمال گوناگون وادار کرد. ولی باید در نظر داشت که انتخاب و کار بست سیستم اقامه دلیل بسیار دشوار است زیرا این سیستم استدلال متوجه افرادی است که دارای عقاید و تمایلات سیاسی مختلفی هستند و از لحاظ آگاهی و تجربه زندگی با یکدیگر متفاوتند. باید همه این افراد را که از هر حیث ناهمگون هستند، متقاعد ساخت و آنها را به عمل معینی وادار کرد. برای این کار باید قبل از همه با شیوه اقامه دلیل که در تراکت بکار برده می‌شود هم از نظر مسلکی و روحی و هم از نظر مطلق آشنا شد. ولی قبل از رسیدگی به این موضوع بهتر است ابتدا به یک رشته پرسش‌ها پاسخ گوئیم: آیا متقاعد ساختن یک عده خواننده که از هر حیث ناهمگون هستند از راه آوردن دلیل ممکن است؟ بلکه این امکان پذیر است زیرا در مبارزه ایدئولوژیک همیشه ایدئولوژی طبقات مترقی و انقلابی و ایدئولوژی احزاب این طبقات پیروزی می‌گردد. تجزیه و تحلیل تاریخی جامعه بشر از نقطه نظر مارکسیستی این اظهارات ما را ثابت می‌کند. آیا امکانات ما برای قانع ساختن خواننده به وسیله سیستم استدلال بی اندازه است؟ خیر، امکانات ما بی اندازه نیست. خوانندگان و شنوندگان ناهمگون نمی‌توانند همگی تحت تاثیر تبلیغات ما قرار گیرند، زیرا ایدئولوژی طبقات ارتجاعی به آسانی از بین نمی‌رود. در شرایط کنونی دستگاه تبلیغاتی بورژوازی هنوز بر افکار توده‌های چند میلیونی زحمتکشان فرمانروایی دارد و بدین سبب ترویج عقاید مترقی در بعضی موارد با عدم اعتماد و افکار باطل و حتی با بی‌علاقگی و در مواردی با رفتار خصومت آمیز برخورد می‌کند. وقتی که ما دستگاه تبلیغی و ترویجی خود را به کار می‌اندازیم باید توقع داشته باشیم که این تبلیغات ما بر اکثریت قابل ملاحظه‌ای اثر کند و درصد بزرگی از آنها را بدنبال خود بکشد. بنابراین ضمن انتخاب سیستم استدلال باید در درجه اول اکثریت خوانندگان را در نظر داشت، نه همه آنها را.

آیا هنگامی که اکثریت خوانندگان را در نظر داریم برای اثبات حقانیت عقاید مختلف باید از اقامه دلیل همگون و متنوع استفاده کنیم؟ خیر، زیرا افراد تشکیل دهنده یک اکثریت در عین حال خود ناهمگون هستند. بنابراین سیستم اقامه دلیل باید شامل استدلال‌های مختلف باشد. استدلال‌های ما می‌تواند سرشت اقتصادی، سیاسی

و معنوی داشته باشد و می‌تواند بر اساس مقایسه تاریخی و رسوم ملی و حتی بر اساس اعتبار شخصی قهرمانان ملی و مثال‌های فولکلوریک (خلقی)، بکار بردن استدلال‌های گوناگون به موفقیت فعالیت ما تا اندازه قابل ملاحظه‌ای کمک خواهد کرد. آیا برای اثبات یک عقیده معین می‌توان در تراکت‌های مختلف همان استدلال‌های قبلی را تکرار نمود؟ بله! تکرار استدلال‌ها نه تنها ممکن بلکه ضروری است. خوانندگان به این ترتیب اصل موضوع را بهتر بخاطر خواهند سپرد. البته باید توجه داشت که این تکرار باید همواره با تغییر فرم همراه باشد. در عین حال این نکته هم لازم به یادآوری است که تکرار آن استدلال‌هایی که درک آن برای خواننده آسان بوده لازم نیست زیرا تکراری در پی یک موضوع خواننده را عصبانی می‌کند.

## اصول ایدئولوژیک "استدلال" در تراکت

اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم اصول ایدئولوژیک ما را تشکیل می‌دهد، قطع نظر از اینکه موضوع چه باشد استدلال تراکت باید بر درک مارکسیستی - لنینیستی جامعه و مناسبات آن تکیه کند و نسبت به هرگونه ایدئولوژی بورژوایی آشتی ناپذیر باشد. بطور خلاصه باید گفت که استدلال‌هایی که در تراکت‌های حزب پرولتری بکار برده می‌شوند باید حتماً اندیشه اصلی طبقاتی پرولتاریا و دهقانان را علیه طبقات حاکمه و علیه سازمان‌های دولتی و اجتماعی که به هر وسیله‌ای که باشد سعی دارند حکمفرمایی خود را بر طبقات زحمتکش حفظ کنند، منعکس سازد. اما بکار بردن چنین استدلال‌هایی در تراکت بدان معنا نیست که هر بار و در هر تراکت اصول نظریات مارکسیستی باید مطرح و توضیح داده شود. نکته مهم این است که به بهانه وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم نباید دچار دگماتیسم (جزم گرایی) گردید، بلکه برای رسیدن به نتیجه باید متناسب با اوضاع موجود عمل کرد.

برای رسیدن به هدف خود باید از روش‌هایی خلاق و بیگانه با جزم گرایی بهره جست و در گزینش استدلال باید در درجه اول شرایط زندگی و سطح آگاهی خوانندگان را در نظر داشت. پیشه ساختن روش بیگانه از جزم گرایی از سوی ما، نه تنها به کمونیسم لطمه نمی‌زند، بلکه برعکس به گره‌گشایی مسئله بسیار دشواری هم کمک می‌کند. لنین می‌آموزد: "سیاست را نباید با فن آموزگاری اشتباه کرد"، یعنی مثلاً در انتخاب تراکت نه مثل آموزگاران که سعی می‌کنند شاگردان کوچک خود را کاملاً طبق نظر خود تربیت کنند، بلکه مثل سیاستمداران که تلاش می‌ورزند توده‌های وسیع مردم را به طرف خود بکشانند، عمل گردد.

## پایه‌های روانی عمومی در "استدلال تراکت"

همانطوری که قبلاً گفته شده بود، روند تبلیغ و تهییج، روندیست آگاهانه و دارای مقصود معین،

اساساً منظور آن است که بر تفکر گروه‌های بزرگی از مردم تاثیر برجای گذارد. برای این تاثیر گذاری باید پیش از همه روندهای روانی مانند قوه مدرکه، فهم و بخاطر سپردن مطلب را در نظر داشت. باید به خواص روحی اشخاص توجه داشت و از آنها برای جلب به تراکت استفاده کرد.

خلاصه منظور این است که درک عقیده اصلی تراکت باید با تجربه خوانندگان تا اندازه قابل ملاحظه‌ای همخوانی داشته باشد. علاوه بر این در اقامه دلیل عامل تنظیم و ترتیب نیز بسیار مهم است بدین معنی که آن اقامه دلیلی که حقیقت معروف و مسلمی را در بردارد و عامه فهم است باید اول انتخاب و گفته شود و سپس به تدریج به اندیشه‌های ناآشنا و نامتداول که برای درک دشوار هستند، پرداخت. تعداد دلایل و همچنین درجه تفصیل جزئیات مطلب نیز از عوامل مهم روانشناسی است که باید رعایت گردد. آنطور که تجربه نشان داده است بهتر است پس از شرح مفصل اندیشه اصلی به اقامه دلیل پی در پی نپردازیم زیرا در این صورت ممکن است فکر اصلی در تعداد زیاد دلایل غرق شود. بکار بردن یک یا دو دلیل برای بوجود آوردن واکنش لازم در خوانندگان کافی است.

چند کلمه درباره دو عامل روانی که باید یکدیگر ارتباط دارند. این دو عامل "توجه" و "علاقه" است. اقامه دلیل در تراکت باید نه تنها دارای حقیقت آشنا باشد، بلکه باید عناصر جدیدی هم در برداشته باشد و در خواننده علاقه‌ای نسبت به حالت معینی ایجاد کند. زیرا همه می‌دانیم که ایجاد علاقه و توجه به امر معین ضامن موفقیت است. بکار بردن عناصر جدید در اقامه دلیل باید برای نویسنده تراکت سنت شود. مثلاً در بیانیه‌ای برای زنان و مربوط به قیمت خواربار بهتر است قیمت‌های جدید و قدیم را مقایسه کرد و علت بالا رفتن قیمت‌ها را بطور کلی توضیح داد. این تراکت حتماً توجه خوانندگان را جلب خواهد کرد.

## اصول روانشناسی اجتماعی در اقامه دلیل

### در تراکت

بکار گرفتن برخی استنتاج‌های تئوریک روانشناسی اجتماعی در انتخاب اقامه دلیل صحیح و مفید است. یکی از مهمترین اصول روانشناسی اجتماعی ایجاد محیط اعتماد آمیز است. خواننده باید نسبت به اقامه دلیل در جزء و کل اعتماد کرده، فکر اصلی تراکت را قبول کند. بنابراین ضمن شرح چگونگی امر و ذکر نام‌ها و رقم‌ها و تاریخ‌ها و رویدادها و امثال آن باید مواظب بود تا آنچه گفته می‌شود، درست باشد و با حقیقت بخواند. در غیر این صورت عدم صحت اخبار به تبلیغات لطمه بزرگی وارد می‌کند. مسئله دیگر که مطرح است، این است که چطور می‌توان دقیق‌ترین دلایل را با گرایش معین که هدف مشخص هر تراکت را تشکیل می‌دهد، با بقیه در ص ۶

### ادامه جنگ ...

هدف امپریالیسم از ایجاد جنگ های محلی و کوشش در راه ادامه آنها، تحمیل سیاست نواستعماری "حل" معضلات اجتماعی و اقتصادی به کشورهای واپس مانده از لحاظ اقتصادی است. اختصاص بخش عظیمی از بودجه دولتی به هزینه های نظامی، اقتصاد دو کشور ایران و عراق را روز بروز به سوی ورشکستگی سوق می دهد. این روند به انحصارهای امپریالیستی امکان آن را می دهد که مواضع خود را در این کشورها تحکیم بخشند. اینکه هم اکنون بیش از ۸۴ درصد بازرگانی خارجی کشور ما با کشورهای سرمایه داری است. نمونه بارز تشدید وابستگی ایران به جهان سرمایه داری است. ادامه جنگ در هر دو کشور در ارتباط مستقیم با صدور نفت است. بادر نظر گرفتن اینکه درآمد نفت یگانه منبع ارزی هر دو کشور است و در این زمینه نیز هر دو آنها وابسته به نوسانات مصرف و قیمت در بازار نفت جهان سرمایه داری هستند، ژرفای وابستگی بیش از پیش برجسته می شود. طبیعی است که نواستعمار از این شرایط "معد" جداکننده استفاده را کرده و خواهد کرد.

تصادفی نیست که پس از پایان جنگ جهانی دوم امپریالیسم و نواستعمار مبتکر ۱۵۰ جنگ و تصادفات مسلحانه مرزی در کشورهای "جهان سوم" بودند که ده ها میلیون کشته و صدها شهر و روستای مخروبه به همراه داشت. این جنگ ها و تصادفات محلی دارای خصلت استعماری هستند. نواستعمار با براه انداختن جنگ های محلی می کوشد تا غارتگری و بهره کشی از کشورهای رشدیابنده را با وظایف اجتماعی - طبقاتی امپریالیسم برای حفظ مناسبات سرمایه داری به مثابه نظام اجتماعی و حفظ مجموعه سیستم مناسبات نواستعماری جهانی پیوند دهد. هدف، سرکوب نهضت های رهایی بخش و حفظ کشورهای رشدیابنده در محدوده تقسیم کار بین المللی سرمایه داری است.

سران جمهوری اسلامی با طرح شعار "جنگ - جنگ تا پیروزی" عملاً در خدمت تحقق سیاست نواستعماری امپریالیسم جهانی قرار گرفته اند و به مجری این سیاست ایران برپا ده تبدیل شده اند.

اواسط ژانویه سال جاری میلادی و این برگر وزیر دفاع آمریکا ضمن سخنرانی در کنفرانس معضلات "تصادفات با شدت اندک" که در دانشگاه دفاع ملی واشنگتن برگزار شده بود، در واقع دکترین جدید ایالات متحده آمریکا را پیرامون جنگ های محلی ارائه کرد. وی گفت، در صورت وخامت وضع در این ویا آن منطقه و یا در یک کشور واحد، "ما باید تصمیم بگیریم که آیا منافع آمریکا دخالت ما را ضرور می سازد... ما باید محاسبه کنیم که رهبری موجود کشور مورد نظر برای مردم آن کشور و نیز برای منافع ما بهتر و یا بدتر از آلترناتیو آن خواهد بود یا نه. ما نمی توانیم به خود اجازه دهیم که خصومت و دشمنی ما نسبت به رژیم های نامطلوب،



نوجوانان ایرانی در اسارت

آلترناتیو به مراتب بدتر را در پی داشته باشد. اگر ما بخواهیم دخالت کنیم باید حساب کنیم که این دخالت چه شکلی به خود می گیرد، با کدام وسایل و به کمک کدام یک از ارگانها انجام پذیرد. اگر دخالت ما قابل قبول است، ما باید به تنهایی آماده عمل باشیم."

مناسبات واشنگتن با رژیم ج.ا. برپایه این دکترین و این برگر استوار است. هیئت حاکمه ایران با در پیش گرفتن سیاست توده ای ستیزی و سرکوب فاشیستی هرگونه جنبش چپ و ایجاد زمینه برای فعالیت آزاد ارتجاعی ترین نیروها در سیاست داخلی و اتخاذ سیاست شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی و نیز همسانی با امپریالیسم آمریکا و دست نشاندهگان آن مانند ترکیه و پاکستان در توطئه علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان و تیوی (از طریق حمایت از جدایی طلبان ارتیره) و غیره در عرصه سیاست خارجی، از جمله رژیم هایی است که مورد پسند امپریالیسم آمریکا است. تا زمانی که رژیم به این سیاست ضد خلق خود ادامه می دهد، واشنگتن به گفته و این برگر در صد سرمایه داری آلترناتیوی که بتواند جایگزین رژیم گردد نخواهد بود.

آنچه مسلم است سرنوشت ایران به دست ایرانی و در داخل ایران تعیین خواهد شد. رژیم قادر نیست بدون توسل به زور به حاکمیت خود ادامه دهد. ولی سیاست ضد خلقی رژیم به موازات اضرار در ادامه جنگ وضع در کشور را به جایی رسانده که رژیم نه با "اصلاحات" و نه با تشدید ترور و اختناق قادر به تامین "آرامش" و رفع نارضایتی گسترده مردم نخواهد بود. گسترش بیسابقه بیکاری که بیش از ۲۰ درصد نیروی فعال کشور را در برمی گیرد، فقر و تورم و گرسنگی ناشی از سیاست رژیم، جامعه ما را با بحران شدیدی روبرو ساخته است. نارضایتی توده های میلیونی تمهید می یابد. اعتصاب های کارگران و تظاهرات علیه رژیم ادامه دارد. پس از سرکوب هر اعتصاب و تظاهرات حس اعتراض در توده ها تشدید می شود. اختلاف در هرم حاکمیت تا اندازه ای زاینده رویگردانی روبه افزایش توده ها از رژیم است.

رویدادهای پاکستان، شیلی، آفریقای جنوبی، السالوادور، هائیتی و... که در آنها توده های مردم علیه رژیم های خودکامه فاشیستی قیام کرده اند به طرز بارزی نشان می دهد که نمی توان

### استفاده از تراکت ...

یکدیگر در آمیخت. منظور ما از گرایش معین این است که هر مبلغ بطور پیگیر دلایل معینی را برای اثبات یک فکر معین جمع کرده و بکار می اندازد، او از یک طرف مطالب کاملاً دقیق را بکار می برد و از طرف دیگر برای اثبات آنها دلایل را طوری انتخاب و تنظیم می کند که حتماً فکر اصلی تراکت را با مقصد معین ثابت کند.

تنظیم اقامه دلیل بر اساس منطقی - مفهوم اقامه دلیل به علم منطقی و به خصوص به آن قسمت که تعلیمات درباره دلایل تعلق دارد، بستگی دارد. علم منطقی سه گونه اقامه دلیل را مشخص می کند: ۱- دلیلی که بر اساس تجربه شخصی خواننده قرار دارد، مثلاً مبلغ در تراکتی که برای کارگران کارخانه معینی اختصاص دارد، آنان را به شرکت در اعتصاب دعوت می کند، او می تواند به یگانگی و همبستگی پرولتری که آنها در اعتصاب قبلی از خود نشان داده بودند، مراجعه کند.

۲- دلیلی که بر اساس تجربه عام قرار دارد - این گونه اقامه دلیل کمتر مورد استفاده قرار می گیرد. بعنوان نمونه رفقای برزیلی ضمن صحبت از وضع بد اقتصاد کشور، مخصوصاً در شمال آن که دچار خشکسالی شده بود و همه مردم از آن شیر داشتند، آن را با نفوذ خارجیان در اقتصاد کشور و صدور درآمد ملی به خارج مربوط ساختند و نتیجه خوبی گرفتند.

۳- دلیلی که بر اساس حقایق مسلم قرار دارد - موارد کاربرد این نوع اقامه دلیل محدود است ولی به نوبه خود موثر است.

مثلاً مقامات مقتنه کشور قانونی را تصویب می کنند که صاحب خانه ها می توانند کرایه خانه را به دلخواه بالا ببرند و آنهایی که قادر به پرداخت کرایه نیستند باید تخلیه کنند و به کوچه بروند. ضمن گفتن این قانون باید از یک حقیقت مسلم استفاده کرد، مثلاً:

"هیچ مجلسی نمی تواند تورا به کشتن بجهات در درگیری مجبور کند!" چنین دلیلی کج کمونیست ها در غرب به کار می گیرند باعث مقاومت می شود. مبارزات سیاسی گاهی وضعی بوجود می آورد که در آن بکار بردن حقایق مسلم قدرت بسیاری کسب می کند. بعنوان مثال: برای زندگی باید انسان کار داشته باشد! "آیا آنها حق زندگی و مسکن دارند؟"

در پایان باید خاطر نشان ساخت که اگر هسته های حزبی اصول و قواعد پیش گفته را دقیقاً بیاموزند و بگونه ای خلاق بکار ببندند، بدون تردید در فعالیت ثمر بخش خود با کامیابی های چشمگیری روبرو خواهند شد.

خلق ها را برای همیشه در اسارت و بندگی نگاه داشت. تردیدی نیست که مردم میهن ما نیز دیر یا زود به رژیم دیکتاتوری قرون وسطایی مذهبی پایان خواهند داد.

**پایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو پیکاری گیر، متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!**

## بحران ارزی و ورشکستگی مالی رژیم ولایت فقیه

بقیه از ص ۱

کاهش یافته است. بخش چشمگیری از صنایع و کارخانه‌های وابسته بخاطر کمبود ارز و نداشتن مواد اولیه، قطعات یدکی و نیم‌ساخته‌های وارداتی به حالت تعطیل و نیمه تعطیل درآمده‌اند.

بحران ارزی موجود، به عنوان یکی از معضلات حاد کشور برای رژیم مطرح است. علیرغم پرده‌پوشی‌های پر دامنه، چندی پیش نخست‌وزیر هنگام برشمردن عملکرد چهار ساله کابینه خود از جمله گفته:

"از زمره مسائلی که در طول ۴ سال گذشته... مشکلاتی را برای اقتصاد کشور به وجود آورده، مشکل ارزی بوده است..." (اطلاعات ۵ ابانماه ۶۴). او، همچنین با بیان تلاش در جهت "به حد مطلوب رساندن تدریجی" ذخایر ارزی به عنوان یکی دیگر از برنامه‌ها و خط مشی‌های دولت "درواقع بر وخیم بودن وضع ذخایر ارزی کشور اعتراف کرد.

برای روشن شدن ابعاد و دامنه این بحران ارزی خاطرنشان می‌سازیم که رژیم، از آغاز سال ۵۸ تا پایان سال ۶۳ "بیش از ۱۰۴ میلیارد دلار ارز" از راه فروش نفت بدست آورده است. ولی، رژیم بخاطر ادامه جنگ، پیکیری سیاست اقتصادی ناسالم و ضدملی و الکیورداری از برنامه‌های اقتصادی رژیم شاه و در بسیاری زمینه‌ها ادامه آنها در پوشش "اسلامی" است که با کمبود شدید ارز روبرو شده و میلیاردها دلار تغییر در ذخایر ارزی دارد. یکی از نمایندگان مجلس اعلام داشت:

"در سالهای ۶۲ و ۶۳، جمعاً بیش از ۵ میلیارد دلار تغییر در ذخایر ارزی کشور داشته‌ایم یعنی با از ذخیره - مصرف نموده‌ایم یا پیش خور کرده‌ایم... این ۵ میلیارد دلار وقتی معنا پیدا می‌کند که بدانیم کل واردات پاکستان با بیش از ۸ میلیون جمعیت (یعنی ۲۲ برابر جمعیت ما) در سال ۸۲، کلاً ۵۵۳ میلیارد دلار بوده است" (اطلاعات ۱۲ تیرماه ۶۴).

بحران ارزی موجود و بطور کلی سرپای زندگی اقتصادی کشور ما با تولید و فروش نفت پیوند و وابستگی ناگسستنی دارند. به گفته وزیر نفت "درآمد حاصل از فروش نفت ۹۰ درصد ارز کشور را تشکیل می‌دهد" (اطلاعات ۱۲ آذرماه ۶۴) و به نوشته "کیهان" "هم‌اکنون ۹۸۵ درصد از صادرات کشور نفت است (۶۴ر۲۶).

آشکار است که کاهش تولید و صدور نفت و یا نوسانهای قیمت در بازار جهانی نفت، می‌تواند تأثیر جدی و چه بسا در مواردی تأثیر درم‌شکننده‌ای بر مجموعه اقتصاد کشور ما بر جای گذارد. در حال حاضر رژیم در زمینه استخراج و فروش نفت بخاطر ادامه جنگ امپریالیسم برافروخته، بادشواوی‌های جدی روبروست. ناامنی در خلیج فارس، حملات موشکی به تأسیسات نفتی خارک و دیگر مراکز اقتصادی و کاهش قیمت و میزان صدور نفت،

سبب گردیده است که درآمد ارزی و تولیدات صنعتی کشور بشدت کاهش پیدا کند. آمارهای موجود نشانگر آنست که سهم ارزی پیش بینی شده در بودجه کشور از ناحیه حراج نفت، در سالهای گذشته تأمین نشده است. مثلاً "درآمد نفت در سال ۶۲ مصوب مجلس، ۱۸۰۰ میلیارد ریال بوده در صورتیکه عملکرد، ۱۳۷۲ میلیارد رسیده و ۴۲۰ میلیارد ریال کاهش داشته و سال ۶۴ مصوب ۱۸۶۷ میلیارد ریال بوده در صورتیکه پیش بینی می‌شود به ۱۲۰۰ میلیارد ریال برسد" (جمهوری اسلامی ۶۴ر۹۴) و برای سال ۶۵ مبلغ ۱۶۰۰ میلیارد ریال پیش بینی شده است که از هم اکنون می‌توان گفت ارزی پیش بینی شده تأمین نخواهد شد.

در زمینه افت شدید تولید ناشی از کمبود ارز، نقل سخنان مهندس نبوی، وزیر صنایع در "گردهمایی مدیران واحدهای تولید تحت پوشش" کافی بنظر می‌رسد. او گفت:

"... در سال ۶۴... تولید متوسط ماهیانه مجموعه شرکتهای تحت پوشش در سه ماهه اول سال جاری نسبت به متوسط تولید ماهیانه سال گذشته ۲۴ درصد کاهش داشته است و چنانچه این روند ادامه پیدا کند در پایان سال، سازمان گسترش و نوسازی ایران بیش از ۸۰۰ میلیون تومان زبان خواهد داد" (کیهان ۶۴ر۵۵).

در شرایط کنونی عوامل گوناگونی از جمله ادامه جنگ و بالا رفتن هزینه‌های نظامی، افزایش سرسام‌آور هزینه‌های غیرتولیدی و ریخت و پاش های دولت، استقراض عظیم دولت از بانک مرکزی از طریق چاپ اسکناس بدون پشتوانه و سیاست اقتصادی ناسالم و بدون برنامه رژیم بحران مالی موجود را ژرف تر خواهد ساخت.

رژیم برای برون رفت از این بحران اقتصادی و ارزی و ورشکستگی مالی با به گفته نبوی "مشکلات ارزی که او اواخر سال ۶۲ گریبان تمام بخش‌ها را گرفته است" (۴ شهریور ۶۴)، چه سیاستی را دنبال می‌کند؟ تاکنون رژیم برای چیره شدن بر این بحران به چاره اندیشی‌ها و اقدامهای گوناگونی دست زده است که هیچیک از آنها کارساز نبوده است. در این زمینه، سیاست رژیم اساساً در جهت یاری گرفتن از کلان سرمایه‌داران و بخش خصوصی، کاهش و چیره‌بندی بی سابقه سهمیه ارزی و حراج کارخانه‌ها و مؤسسات دولتی و اموال مصادره شده، فروش ارز با قیمت نفت، قطع فروش ارز مسافرتی و در یوزگی در آستان امپریالیسم و ارتجاع بمنظور تهیه مواد خام، قطعات یدکی و نیم ساخته بوده هست.

سیاست و چاره جوئی‌های ارتجاعی برای برون رفت از بحران ارزی و مالی تاکنون ثمری جز تشدید پدیده‌های بحرانی در کل اقتصاد کشور به بار نیاورده است. افزایش بیش از پیش نقدینگی بخش خصوصی و تهی شدن بیش از پیش خزانه دولت را به عنوان جلوه‌ای از تشدید

### نگاهی به رویدادهای \*\*\*\*\*

دولت افغانستان دستاوردهای چشمگیری نیز در جامه عمل پوشاندن به برنامه دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی و از آن جمله در زمینه اصلاحات ارضی، دمکراتیزه کردن نظام اداره دولتی و بهبود سطح زندگی زحمتکشان بدست آورده است.

برنامه آینده رشد اجتماعی - اقتصادی جمهوری دمکراتیک افغانستان برای سالهای ۷۰ - ۱۳۶۶ در جلسه فوق العاده کابینه مورد بررسی قرار گرفت. برنامه جدید، رشد فزاینده اقتصاد ملی را پیش روی خود قرار داده است. در برنامه پنجساله تولید ناخالص ملی ۲۵ درصد، حجم محصولات صنعتی ۲۸ درصد و تولید محصولات کشاورزی ۱۵ درصد افزایش خواهد کرد. درآمد ملی در مقایسه با برنامه پنجساله گذشته دوبرابر خواهد شد. تولید گاز طبیعی، ذغال سنگ، انرژی برق، سیمان و دیگر تولیدات افزایش چشمگیری خواهد داشت.

### تصویب منشور ملی در الجزایر

در الجزایر، پیش نویس جدید منشور ملی در جریان یک همه پرسی به تصویب رسید. ۷۳ درصد شرکت کنندگان در همه پرسی به این سند رای دادند. باید خاطرنشان ساخت که منشور ملی پایه و اساس برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. منشور در عین حال تبلور نگرش ایدئولوژیک حزب حاکم - جبهه آزادیبخش ملی - است.

در این سند اصول بنیادین انقلاب الجزایر و در درجه اول ستگیری سوسیالیستی مورد تأیید قرار گرفته است. در منشور ملی گفته می‌شود مهمترین اهداف انقلاب الجزایر عبارتست از ساختمان جامعه فارغ از بهره کشی انسان از انسان و تأمین نیازهای عمده توده‌های خلق. در منشور همچنین به نقش رهبری کننده حزب - جبهه آزادیبخش ملی - به مثابه سازمان دهنده نیروهای جامعه تأکید شده است.

در این سند راه رشد اقتصادی و اجتماعی کشور و وظایف حزب و دولت مشخص شده است. در بخش مربوط به سیاست خارجی آمده است که جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر طرفدار آرمان‌های صلح و آزادی، اهداف جنبش غیر متعهد و مبارزه خلق‌های کشورهای در حال رشد علیه امپریالیسم، استثمار، استعمار، صهیونیسم و نژادپرستی است.

بحران مالی رژیم می‌توان برشمرد.

واقفیت آنست که رژیم با پیکیری سیاست اقتصادی - اجتماعی ارتجاعی خود، علیرغم تلاشهای گوناگون و از جمله کمک خواهی از کلان سرمایه‌داران و انحصارات امپریالیستی قادر نیست خود را از ورطه بحران فراگیر فعلی نجات دهد. در شرایط کنونی برای پایان بخشیدن به این سیاست استقلال‌شکنانه و ایران برپادده رژیم باید همه نیروهای ملی و دمکراتیک مبارزه خویش را تشدید کنند.

## همبستگی دانشجویان جهان با

## مردم ایران و عراق

سازمانهای دانشجویی شرکت کننده در اجلاس کمیته اجرایی اتحادیه جهانی دانشجویان که از تاریخ ۲۴ الی ۲۷ دی ماه در پیونگ یانگ پایتخت جمهوری دموکراتیک خلق کره برگزار شد، ضمن اضاغی فراخوانی همبستگی خود را با مبارزات صلح خواهانه و عدالت جویانه خلقهای ایران و عراق ابراز داشتند. در فراخوان آمده است:

ما سازمانهای اضاغی کننده معتقدیم:

- ادامه جنگ ایران و عراق که توسط رژیم عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شده و تاکنون موجب کشتار صدها هزار تن و ویرانی هر دو کشور شده است، تنها به سود امپریالیسم و ارتجاع منطقه است. این جنگ باید هرچه زودتر بر اساس عدالت، بدون اشغال زمین های طرفین و احترام به حق حاکمیت دو کشور و حق مردم آنها در انتخاب نظام اجتماعی - سیاسی دلخواه خود، خاتمه یابد.

- ما همبستگی عمیق خود را با مردم قهرمان ایران و عراق که در شرایط دشوار ترور و سرکوب برای دست یابی به دموکراسی، صلح و پیشرفت اجتماعی در کشورهای خود بیکار می کنند و خلق های کرد دو کشور که جهت دست یابی به حقوق ملی خود می رزمند، اعلام می داریم.

- ما همبستگی عمیق خود را با سازمان جوانان توده ایران، سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران (ادیسی)، اتحادیه جوانان دموکرات عراق و اتحادیه سراسری دانشجویان عراقی (گوسیر) اعلام می داریم.

کمیته دانشجویان کره، سازمان جوانان دموکراتیک افغانستان، اتحادیه جوانان انقلابی کامبوج، اتحادیه مردمی - انقلابی جوانان لائوس، سازمان جوانان موزامبیک، سازمان جوانان میلا (آنگولا)، اتحادیه سراسری دانشجویان نیکاراگوئه، سازمان جوانان انقلابی اتیوپی، اتحادیه بین المللی دانشجویان فرانسه، اتحادیه سراسری دانشجویان هند، فدراسیون سراسری دانشجویان هند، اتحادیه سراسری دانشجویان زامبیا، اتحادیه سراسری دانشجویان سری لائون، اتحادیه سراسری دانشجویان غنا، اتحادیه سراسری دانشجویان سری لانکا، اتحادیه دانشجویان هنگ کنگ، اتحادیه دانشجویان قهرس، اتحادیه جوانان دموکرات مصر، شورای دانشجویان گرانادا، شورای دموکراتیک

دانشجویان فیلیپین، کمیته دانشجویان کره ای در ژاپن، فدراسیون دانشجویان ماداگاسکار، کمیسیون اتحادیه دانشجویان انقلابی پروندی، اتحادیه دانشجویان دانشگاه پاسیفیک، اتحادیه دانشجویان سنت لوسیکا، اتحادیه سراسری دانشجویان گینه نو، جبهه دموکراتیک دانشجویان سودان، شورای دانشگاه لاتورپ استرالیا، شورای دانشجویان نیوزلند، شورای عالی

## تبادل نظر میان هیات نمایندگان

## "کمیته ملی زحمتکشان عمان"

و

## "کمیسیون ارتباطات سندیکاهای

## زحمتکشان ایران"

چندی پیش، دیداری بین هیات نمایندگان کمیته ملی زحمتکشان عمان و "کمیسیون ارتباطات سندیکاهای زحمتکشان ایران" صورت گرفت. دو هیات در محیطی سرشار از تفاهم و دوستی به بررسی اوضاع و احوال منطقه و کشور ایران و عمان پرداختند.

مردو هیات نمایندگان در بررسی مسائل منطقه یادآور شدند که جنگ ایران و عراق پیامدهای فاجعه باری برای خلق های ساکن منطقه خلیج فارس به بار آورده است.

یکی از اضاغی هیات نمایندگان عمان در بخشی از سخنان خود گفت: "این جنگ تاثیر روانی خاصی را در منطقه به وجود آورده است. عمانی ها نسبت به آنچه که در ایران می گذرد، حساس هستند. رویدادهایی که در منطقه این منطقه به وقوع می پیوندد، زنجیروار به یکدیگر ارتباط دارند و از این رو باید تحلیلی از وضع عمومی این منطقه به عمل آورد..."

وی درباره اوضاع عمان و مبارزه خلق عمان از جمله خاطر نشان ساخت:

"ما در راه آزادی بیکار کردیم، ولی موفق نشدیم. جامعه ما، جامعه ای دوقطبی است. در یک قطب، ثروتمندان دربرگیرنده فئودال ها، سرمایه داران وابسته و امپریالیست های آمریکایی و انگلیسی و در قطب دیگر توده های بی چیز یعنی زحمتکشان قرار دارند. توده های زحمتکش از فقر و بهره کشی در رنج هستند.

کشور ما عمان بر تنگه هرمز مسلط است. چهار پایگاه آمریکایی در خاک کشور ما وجود دارد. رژیم مطلق حاکم ضمن پایمال سازی آزادی های دموکراتیک و سندیکایی، با انحصارات امپریالیستی سرگرم همکاری است.

"کمیته ملی زحمتکشان عمان" در راه استقلال ملی و آزادی و برضد بهره کشی بیکار می کند.

هیات نمایندگان ایران نیز به نوبه خویش درباره اوضاع و احوال کشور و به ویژه جنگ، حاکمیت ترور و خفقان و مبارزه کارگران و زحمتکشان در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و صلح توضیحات ضرور را داد.

دانشجویان جمهوری عربی یمن، اتحادیه دموکراتیک جوانان اردن، اتحادیه سراسری دانشجویان اردن، اتحادیه سراسری دانشجویان عمان، اتحادیه سراسری دانشجویان بحرین، فدراسیون دانشجویان شیلی، انجمن دانشجویان کواتالا، اتحادیه دموکراتیک دانشجویان سنگال، اتحادیه جوانان امیلکار کاپرال دماغه سبز.

## نگاهی به رویدادهای جهان

## دیکتاتورهاییتی فرارکرد

ژان - کلود دووالیه رئیس جمهور "مادام العمر" هائیتی، دیکتاتور خونخوار نوکر امپریالیسم آمریکا، به دنبال اوج گرفتن بی سابقه بیکار مردم زحمتکش با دستگیری اربابانش فرار را بر قرار ترجیح داد.

پس از تبادل نظرهای پشت پرده میان دولت آمریکا و دولت فرانسه، قرار شد دیکتاتور هائیتی با یک هواپیمای نظامی آمریکا نخست به فرانسه بیاید و سپس برای اقامت دائمی به کشوری دیگر برود.

خانواده دووالیه - پدر و پسر، که به مدت ۲۸ سال با کمک امپریالیسم آمریکا بر مردم محروم هائیتی مسلط بودند آنچنان جنایاتی انجام دادند که قلم از توصیف آنها عاجز است.

این واقعیت که بالاخره امپریالیسم آمریکا مجبور شد نوکر خود را از صحنه خارج کند بیانگر پیروزی بزرگ مبارزات ضد دیکتاتوری مردم هائیتی است. اما این به معنی موفقیت کامل نیست. امپریالیسم آمریکا هنوز امکانات فراوانی برای مانور در داخل و تعویض نوکران دارد و اگر هم با مشکلاتی روبرو شود از اعزام نیروهای مسلح نظیر آنچه که بارها و بارها به آن دست زده و آخرین و ننگین ترین نمونه اش تجاوز به گرانادای بی دفاع بود این خواهد کرد.

ولی به مراحل این پیروزی بزرگ مردم هائیتی می تواند و باید شرایط لازم را برای زندگی بهتر زحمتکشان فوق العاده محروم این کشور کوچک فراهم آورد.

## برنامه سازندگی در افغانستان

علیرغم دشواریهای زائیده جنگ اعلان نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان به رهبری امپریالیسم آمریکا و برانگیزی های اقتصادی ضدانقلاب، اقتصاد ملی افغانستان رشد و گسترش می یابد. در پنج سال اخیر، کل سرمایه گذاری دولت در زمینه رشد اقتصادی به میزان ۶۷ میلیارد افغانی و تولید ناخالص ملی بیش از ۱۱ درصد افزایش یافته است. تولید انرژی برق ۴۸ درصد، تولید گاز طبیعی ۱۱ درصد، تولید سیمان ۱۰ درصد افزایش نشان می دهد. همچنین باید خاطر نشان ساخت که شاخص های تولید محصولات کشاورزی در همه رشته ها بیش از دوران پیش از انقلاب است. بقیه در ص ۷

## کمکهای مالی رسیده؟

ژامی ۲۸۸ مارک

NAMEH  
MARDOM  
No:89P.B.49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

13February 1986